

نقطهٔ بهینهٔ مدرسهٔ ما

● منوچهر نوری

وقتی پل عابریاده را با سازه و معماری درست در جایی مناسب ایجاد می‌کنیم و عابران زیادی در آن به‌راحتی رفت‌وآمد می‌کنند، می‌گوییم این پل کارآمد و اثربخش است. زمانی که چنین پلی را با سازه و معماری درست در جایی نامناسب ایجاد می‌کنیم، یعنی جایی که عابران چندانی از آن عبور نمی‌کنند، می‌گوییم پل کارآمد است، ولی اثربخش نیست. اما وقتی پل عابریاده را با سازه و معماری نادرست در جایی مناسب ایجاد می‌کنیم، بدین معنی که عابران زیادی از آن عبور می‌کنند، اما به سختی و مشقت، می‌گوییم پل ناکارآمد، ولی اثربخش است. بالاخره، وقتی پل عابریاده را با سازه و معماری نادرست در محل نادرست ایجاد می‌کنیم، به‌طوری که عابری از آن گذر نمی‌کند، می‌گوییم پل نه کارآمد و نه اثربخش است.

همین‌طور، زمانی که معلم ادبیات فارسی را به تدریس جغرافیا می‌گماریم، دفتر مدیر مدرسه را در طبقهٔ چهارم مدرسه مستقر می‌کنیم، سرایدار مدرسه را داخل ساختمان مدرسه اسکان می‌دهیم، هفت دانش‌آموز را در یک خودروی سواری (سرویس مدرسه) جاسازی می‌کنیم، معلم مازاد تاریخ را به کار دفتری منصوب می‌کنیم و... کارمان چه مفهوم و معنایی دارد؟ در این صورت یادمان باشد، نه درست کار کرده‌ایم نه کار درستی انجام داده‌ایم. نه کارآمدی داریم و نه اثربخشی و نه بهره‌وری. بیاییم تک‌تک کارهایمان را تجزیه‌وتحلیل کنیم، ببینیم کدام‌یک از کارهایمان کارآمد و اثربخش، کدام‌یک ناکارآمد و اثربخش و بالاخره کدام‌یک ناکارآمد و غیراثربخش است.

بدین ترتیب می‌توانیم به‌تدریج کارهای مدرسه‌مان را سروسامان دهیم و به‌سوی اثربخشی و کارآمدی پیش ببریم. منطقهٔ بهره‌وری در مدرسهٔ ما منطقه‌ای است که در آن هم کارآمدی داریم و هم اثربخشی؛ یعنی هر کسی را در جایگاه مناسب به‌کار گیریم و هر چیز را در جای خود و از هر اتافی در کاربری خودش استفاده کنیم. این‌گونه است که ساخت فیزیکی و ساخت رویه‌ای مدرسه به‌صورتی درست شکل می‌گیرد. این سازوکارها بدین معنی است که طراحی مدرسهٔ ما به‌گونه‌ای است که میل به بهره‌وری دارد و این میل به مفهوم هم‌سو شدن سازوکارهای مدرسه با بهبود مستمر کیفیت است.

